

مجوس شمال

(یوهان گئورگ هامان و خواستگاه های عقل ناباوری جدید)

آیزا برلین

" دشمنان او {گئورگ هامان} دو دسته اند: یکی کسانی که او آن ها را فریسیان می خواند: یعنی حامیان نهادهای جزم اندیش، کلیسای رم یا دستگاه سلطنت فرانسه و خادمان و مقلدان آن در سرزمین های آلمانی زبان؛ و دیگری کسانی که او با لفظ صدوقیان از آن ها یاد می کند، یعنی آزاد اندیشان مقیم پاریس یا برلین یا ادینبره ... حملات افسارگسیخته هامان به اینان در بسیاری از موارد کاملاً نامنصفانه و در مواردی پوچ و بی معنا بود؛ با وجود این، بشر به سبب بی اعتنایی به چیزهایی که او می دید تاوان سنگینی پرداخته است - بشر این تاوان را فقط با ارتکاب خطاهای فکری نپرداخته است بلکه با اقدام های معیوب رنج های انسانی هولناکی پرداخت کرده است که تاثیر آموزه های این دو نهاد ناهمساز در آن سهم داشته است. "

" آموزه و آرمان عالی و خوش بینانه و عقلانی سنت عظیم روشنگری از رنسانس تا انقلاب فرانسه و حتی بعد از آن تا به امروزه رکن رکن دارد. سه رکن آن سه اعتقاد بود: اول، اعتقاد به عقل یعنی ساختار منطقاً منسجمی از قوانین و تعمیم هایی که قابل اثبات یا تحقیق هستند. دوم اعتقاد به یکسان بودن طبیعت انسان در طی زمان و حصول پذیری هدف های انسانی و سوم اعتقاد به امکان پذیری نیل به اعتقاد دوم از طریق اعتقاد اول "